

ایجاد اقلیمی دیگر در کردستان عراق طرحی ارتجاعی است!

عبدل گلپریان

دولتهای منطقه و اروپایی، بیشترین روابط تجاری و اقتصادی را در پیوند

با دولت ترکیه پیش میبرد.

میتوان گفت که بدون عقد

هیچگونه قراردادی و بصورت

نانوشته، عملاً دو اقلیم اقتصادی

دارند کارشان را میکنند که در سایه

آن هر یک از دو حزب اصلی حاکم بر

کردستان عراق تا کنون به ثروتهای

نجومی دست یافته اند.

در ماههای اخیر دو جناح در

درون اتحادیه میهنی بوجود آمده

است که هر کدام از آنان نیز به شیوه

خاص خود و جداگانه سرگرم مسایل

مالی و تجاری با جمهوری اسلامی

هستند. از طرف دیگر حزب گوران

هم بنا به ظرفیت خود در این گردونه

ایفای نقش میکند و بالاخره سه

حزب اسلامی شریک در حکومت نیز

بنا به وزن و جایگاهی که در

حکومت اقلیم نصیب شان شده است

هر یک از آنان از سوی احزاب اصلی

چیزی عایدشان میشود و بین احزاب

اصلی سرگرم بند بازی هستند. اما

از نظر ساختاری و "قوانین حکومت"

که هیچ الزامات اجرایی و قانونی بر

آنها حکم فرما نیست، فعلاً در

صفحه ۴

مستله دو اداره ای در اقلیم کردستان عراق گفتمان تازه ای نیست. این سیاست بارها و هر از چند گاهی از سوی دو حزب رقیب یعنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق مورد مجادله و بعضاً در دعواهای این دو حزب همچون تهدید از سوی اتحادیه میهنی و گوران به میان کشیده شده است.

در چند سال اخیر با بالا گرفتن اختلافات بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات، در حال حاضر عملاً معاملات اقتصادی در هر یک از مناطق تحت نفوذ این دو حزب بطور جداگانه در جریان است. مسئله مالی، امور تجاری، گمرکات مرزی، خرید و فروش نفت و اقلام دیگر تجاری، بنوعی و در محدوده مناطق تحت نفوذ هر یک از این دو حزب اصلی بصورت جداگانه انجام میشود. اتحادیه میهنی روابط تجاری، گمرکات مرزی و مالی با جمهوری اسلامی را انجام میدهد و حزب دمکرات نیز علاوه بر روابط و مناسبات وسیع و گسترده با

روز جهانی منع خشونت علیه زنان

نسان نودینیان

صفحه ۲



کارگران علیه قانون کار دست به تظاهرات زدند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

خودسوزی و خودکشی راه حل نیست

عزیزه لطف الهی

صفحه ۳

اسماعیل و اسماعیل ها آنگاه که ظلم و ستم بیداد میکند چیزی برای از دست دادن ندارند

جعفر عظیم زاده

صفحه ۵

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

صفحه ۵

کتک زدن زن دستفروش و یک دنیای بهتر

کیوان جاوید

صفحه ۶

یادداشت‌های هفته

عبدل گلپریان

صفحه ۶

دولت اسلامی ترکیه عقب نشینی کرد

تجمع و تظاهرات هزاران نفره معلمان
در سلیمانیه ادامه دارد

تلویزیون "من و تو" راه تباه نمودن هر چه بیشتر
زندگی دستفروشان را نشان میدهد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روز جهانی منع خشونت علیه زنان



نسان نودینیان

سخنی در باره جایگاه زنان آزادیخواه و برابری طلب در شهرهای کردستان. هر چند جامعه شهری کردستان را نمیتوان با دهه های پیشین مقایسه کرد، با وجود ورژن بالایی از پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، رشد مدرنیسم و رشد گرایش چپ و سوسیالیستی به نفع و تقویت جنبش برابری زن، اما، ما هنوز در شهر و روستاهای کردستان گرایش زن ستیزی و مردسالاری و سنن عقب مانده مذهبی علیه زنان را می بینیم.

فعالین جنبش برابری زنان در شهرهای کردستان در عرصه زنان فعالیت های قابل توجه و پیگیری را دارند. تعداد زیادی از آنها بعنوان شخصیت های اجتماعی جنبش برابری زنان چهره های شناخته شده هستند.

در این نوشته در مورد جایگاه مهمترین عرصه ها در ارتباط با خشونت علیه زنان با فعالین این عرصه صحبت خواهیم کرد.

یک عرصه مهم در شرایط کنونی برای تقویت رفع خشونت حساسیت مردم و جامعه است. این حساسیت و عطف توجه به تقویت گرایش رفع خشونت در سیستم حکومتی - اداری نظام اسلامی وجود ندارد.

حساسیت به خشونت علیه زنان بویژه خشونت های آشکار و پنهان در گرو فعال بودن فعالین جنبش برابری زنان در شهرهای کردستان است.

ما در موارد زیادی شاهد این حساسیتها بوده ایم. هر چند این حساسیتها عملی و میدانی بوده اند اما توانسته اند تاثیرات اجتماعی خود بر جامعه را بگذارند.

دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۱۵ آوریل ۲۰۱۳ ماموران جمهوری اسلامی در شهر میروان یک مرد را با روسری و لباس زنانه در شهر چرخاندند و از این طریق او را

«مجازات» کردند. این رفتار ماموران حکومت اسلامی با اسکورت چندین ماشین پلیس در محل انجام گرفت! در عکس العمل به این رفتار ماموران و در توهین بیشمارانه به زنان تعدادی از زنان در میروان روز سه شنبه به یک حرکت اعتراضی دست زده و در خیابان با صدای بلند اعتراض کرده و از همه مردم دعوت میکنند به این حرکت بپیوندند. بعد از چند دقیقه بیش از چهارصد نفر به حرکت اعتراضی زنان میروان پیوسته و یک راهپیمایی بزرگ در شهر انجام میشود. مامورین به این تجمع اعتراضی حمله کرده و با دستگیری چند نفر تلاش می کنند جلوی این اعتراض را بگیرند. دستگیرشدگان چند ساعت بعد آزاد میشوند

منع کردن دوچرخه سواری زنان توسط نظام اسلامی در یک سال گذشته در شهرهای کردستان ابعاد تازه ای بخود گرفته است.

مخالفت و ناکام کردن اعمال محدود کننده اسلامی علیه زنان در عرصه دوچرخه سواری عرصه ای از مبارزه میدانی و پراتیکی است علیه احکام سران ریز و درشت اسلامی.

احمد سالک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس می گوید: «دختران می توانند در مکان های سرپوشیده مثل پارک های بانوان و یا جایی که انحصاری برای خودشان است، دوچرخه سوار شوند اما در دید نامحرم و مکان های عمومی این کار حرام است و دستگاه های نظارتی ذی ربط باید با آن برخورد کنند».

حلیث و روایات ارتجاع مذهبی پر از خشونت و ضد زن در نظام جمهوری اسلامی کم نیست. امام جمعه های مرتجع بارها در نمازهای جمعه به نقل از پیامبران میگویند؛ حضرت از سوار شدن زنان بر زین نهی کرده اند. "و تاکید میکنند: «زین مرکب نفرین شده ای برای زنان است».

امام جمعه احمق و مرتجع میروان هم به پیروی از این احکام اعلام کرده بود که دوچرخه سواری زنان در ملاعام حرام است. خامنه ای فاشیست اسلامی هم مدتی قبل اعلام کرد دوچرخه سواری زنان در ملاعام حرام است و با این فتوا خشونت علنی علیه زنان توسط

مزدورانش را "شرعی" و "قانونی" کرد.

در اعتراضات میدانی تعداد زیادی از دختران و پسران در میروان، سنندج و سقز پوزه خامنه ای و امام جمعه میروان و نهادهای امنیتی را بخاک مالیدند و عملاً با آوردن دوچرخه ها توسط زنان و ادامه دادن به کمپین «سه شنبه ها بدون خودرو» از حق دوچرخه سواری زنان دفاع کردند. پلاکارد «آری به حق دوچرخه سواری زنان» در این مبارزه کيفرخواست زنان علیه خشونت و احکام اسلامی بود.

مبارزه با «خشونت علیه زنان» فعالیتی گسترده است. اگر که در مواردی با اعتراضات میدانی بخشهایی از خشونت و محدودیتها علیه زنان ناکام شده، اما فعالیت در عرصه «خشونت علیه زنان» در گرو پرداختن و جواب به سوژه هایی است که آگاهانه و یا بشکل سنتی خشونت علیه زنان را دامن زده و باز تولید میکند.

یکم؛ "خشونت علیه زنان" به معنی هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر شود، اعمال مستبدانه مردان و سنت های مردسالارانه بخشی از تهدیداتی است که منجر به محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی میشود.

دوم؛ خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دخترچه ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به زنان آسیب می رساند، تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری.

سوم؛ شکنجه و آزار زنان توسط همسران، افزایش میزان قتل های ناموسی، افزایش آمار تجاوز به زنان، فرار دختران به جان آمده از فشارهای خانوادگی از خانه

چهارم؛ حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی به عنوان مظاهر بارز خشونت علیه زنان در ایران مبارزه، و آگاهگری علیه احکام استبدادی مذهبی - اسلامی که بر ابعاد این خشونتها جنبه قانونی میدهند، عرصه های جدی برای

کارگران علیه قانون کار دست به تظاهرات زدند

کارگران علیه قانون کار دست به تظاهرات زدند روز ۲۵ بهمن مقابل مجلس اسلامی صحنه اعتراض باشکوه صدها کارگر بود. صحنه پرشوری بود که در آن کارگران با شعارهای

کوبنده صدای اعتراضشان را نه تنها علیه لایحه ضد کارگری قانون کار، بلکه به کلیت آن و به بردی موجود بلند کردند و بطور واقعی میلیونها کارگر و خانواده کارگری را نمایندگی کردند. کارگران شعار میدادند: "حاصل قانون کار بردگی امروز است"، "اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار"، "تدبیر دولتمردان کارگر خاموشه"، "تدبیر دولتمردان کارگر ارزانه"، "کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد" و "منزلت معیشت حق مسلم ماست". بر پلاکاردهای بزرگی نوشته شده بود "یک خواست فوری ما افزایش دستمزدهاست"، "قرارداد دائمی احیاء بایدگردد"، "قرارداد موقت بردگی کارگر".

سندیکای شرکت واحد از قبل فراخوان به تجمع داده بود و تعداد قابل توجهی از کارگران واحد با لباس کار و بنرها و پلاکاردهای خود در این تجمع شرکت کردند. شوراها ی اسلامی نیز بعدا فراخوان به تجمع در این محل را دادند. اما کارگران از سندیکای شرکت واحد و اتحادیه آزاد کارگران ایران با تعداد قابل توجهی از بنرها و پلاکاردهایی علیه قانون کار و در دفاع از خواست های کارگران و با شعارهای رادیکال علیه کلیت قانون کار ارتجاعی حکومت حمایت حاضرین در این تجمع را جلب کردند و فضای تجمع را بدست خود گرفتند. در کنار آنها جمع هایی از کارگران از مراکز مختلف کارگری و نیز از دانشجویان، معلمان،

بازنشستگان و فعالین برخی دیگر از تشکل های کارگری شرکت داشتند. جمعیت به بیش از هفتصد نفر میرسید. حضور زنان معترض نیز در این تجمع چشمگیر بود. در این حرکت اعتراضی وحید فریدونی بیانیه سندیکای واحد را قرائت کرد و جعفر عظیم زاده و پروین محمدی از اتحادیه آزاد کارگران در پشت تریبون اعلام کردند که رابطه برده وار کنونی که بر کارگران تحمیل شده است، حاصل و نتیجه قانون کار فعلی است و بر خواست های برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکت های پیمانکاری، احیاء قراردادهای دائمی و مستقیم، حق برپایی تشکلهای مستقل کارگری در تمامی مراکز تولیدی صنعتی و خدماتی به عنوان خواستهای فوری کارگران تاکید کردند. زیر فشار اعتراض کارگران، مجلس اسلامی اعلام داشت که در جلسه بعداظهر این روز تکلیف این لایحه روشن خواهد شد. کارگران اولتیماتوم دادند که اگر این لایحه پس گرفته نشود، هفته دیگر در مقابل مجلس تحصن خواهند کرد. اعتراض کارگران امروز در مقابل مجلس، اعتراض به کل این بساط بردگی و توحش سرمایه داری بود.

بر اساس لایحه "اصلاح قانون کار" موضوع تعیین سالانه حداقل دستمزد کنار میرود و دست کارفرماها برای تعیین دستمزد و اخراج کارگران و فشار بیشتر به کارگر بازتر میشود، گره زدن میزان حداقل دستمزدها به مولفه وضعیت اقتصاد کشور مجوز قانونی برای کاهش دائمی سطح دستمزدها خواهد شد، دست کارفرما بازتر میشود تا از گرده

فعالین جنبش برابری زنان است. فعالین عرصه برابری زنان در کردستان زیادند. این جنبش قوی و دارای سخنگو و کادری شناخته شده در عرصه اجتماعی است. تمرکز بیشتر بر روی محورهای

اصلی خشونت خانگی، مردسالاری فعالیت مهم و تاثیر گذار در شرایط کنونی است.

خودسوزی و خودکشی راه حل نیست



عزیزه لطف الهی

خودکشی زنان در ایران رتبه سوم در جهان را به خود اختصاص داده است. پیشینه خودسوزی بعنوان پدیده‌ای در جامعه دلایل خاص خود را داشته است اما در حال حاضر افزایش پیدا کرده است. طبق آمارهای دولتی روزانه ۱۱ نفر دست بخودکشی میزنند. در ۹ ماه اول سال ۹۲ روزانه ۱۱ نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند.

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی سازمان پزشکیان قانونی، در سال ۹۲ تعداد ۳۱۲۵ نفر خودکشی کرده‌اند که در میان آنان ۹۸۲ نفر زن و بقیه مرد بوده‌اند. آمار خودکشی در ایران و در میان کشورهای دنیا، رتبه چهل و هشتم و آمار خودکشی زنان در خاورمیانه رتبه اول را دارد.

وقتی به دلایل و عوامل خودکشی مخصوصاً در میان زنان نگاه میکنم اکثراً مربوط به اختلافات زناشویی، عشق، تمایلات شدید عاطفی و علل ناموسی، ناراحتیهای روانی، مشلات ناشی از تحصیلات، استرس در کنکور دانشگاهی، نقص جسمانی و احساس پوچی و بی‌هدفی، فقر، تنگدستی، بیکاری، اخراج از کار، شرایط نامساعد اقتصادی و مسایل مذهبی، برمالشدن اسرار و حقایق خصوصی در زندگی افراد را می‌شود نام برد.

هرکدام از این دلایل را اگر ریشه‌یابی کنیم بر میگردد به نقش مذهب و ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکمیت بر جامعه که نا عدالتی و نابرابری حقوقی زنان در قانون اسلامی را به همراه خود دارد.

حاکمان اسلامی زن ستیز که نه تنها با ساختار ظالمانه اقتصادی شرایط و موقعیت زنان را در چنین مسیر دهشتناکی قرار داده‌اند بلکه با همان تفکر اسلامی و قرآنی با

موجودیت زن و عدم برسمیت شناسی نیمی از جامعه یعنی زنان مشکل دارند و این موجودیت را برسمیت نمی‌شناسند. از این رو از بالا تا پایین در چنین ساختاری حکومت اسلامی عامل بوجود آمدن و افزایش خودکشی در جامعه است.

زمانی که اسلام حقوق زن را به عنوان نصف انسان به حساب می‌آورد و به ارزشهای والای انسانی اعتقاد ندارد نمیتوان از چنین ساختاری انتظار بهبود وضعیت زندگی زنان و حتی کاهش پدیده خودکشی را داشت.

طبق بررسی‌های که انجام شده هم اکنون در ایران خود سوزی یکی از شایعترین روشهای خودکشی زنان است

پروین بختیار نژاد نویسنده کتاب زنان خود سوخته که در سال ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد در مورد آمار خود سوزی زنان در استانهای مختلف ایران چنین می‌گوید: "در حال حاضر استان ایلام و لرستان و چهار محال بختیاری و کهگیلویه بیشترین آمار را به خود اختصاص داده ولی این به این معنی نیست که کردستان و بخش ترکمن نشین استان گلستان، اردبیل، آذربایجان شرقی، کرمان، بوشهر و استان فارس آنقدر اندک هستند که قابل لحاظ در آمارهای ما نیست."

در همین رابطه او دلیل بالا بودن میزان خودکشی را در با لا رفتن سطح آگاهی زنان و اطلاع از اینکه چه حقوقی از آنان سلب شده است، نقش بازی می‌کند و در مقابل عدم توانایی برای تغییر وضع موجود باعث می‌شود که این زنان احساس کنند به بن بست رسیده‌اند و توانایی هیچ کاری را ندارند و به همین دلیل دست به خودکشی می‌زنند.

توانایی زنان در مقابل این هنجارها بسیار سخت و این قواعدی است که به هیچ وجه نمی‌توانند آنها تغییرش بدهند و متأسفانه بجای تغییر محیط خودشان دست به خود آزاری و خود سوزی می‌زنند. یعنی در واقع زندگی برایشان غیرقابل تحمل می‌شود.

موانع قانونی بر سر راه زنان برای حل مشکلاتشان یکی دیگر از علل

روی آوردن به خودکشی است. اما چرا این دست از زنان به بن بست رسیده، درد ناکترین راه یعنی خود سوزی را برای خودکشی انتخاب می‌کنند؟ چرا افرادی دست به چنین مرگ‌های میزنند؟ مرگ‌هایی در مقابل دیدگان همه آنقدر تلخ و آزار دهنده است که برای همیشه در ذهن شاهدان و ناظران باقی می‌ماند.

برخی از روانشناسان معتقدند که این نوع مرگ در پس خود یک اعتراض نهفته را در بر دارد و بر خلاف روشهای دیگر خودکشی مثل استفاده از قرص یا حلق آویز کردن که آرام و در خفا و بی سر و صدا صورت میگیرد، خود سوزی یک فریاد بلند در اعتراض به وضع موجود است. آنقدر فشار روحی و روانی بر این دست از زنان شدید است که از سختترین و خشن ترین شیوه‌ها استفاده می‌کنند و آنقدر خودکشی در ملاء عام زیاد شده است که دیگر نمی‌شود آنها را برشمرد. اتفاقی که برغم جامعه‌شناسان بیشتر از اینکه دلایل فردی داشته باشد دلایل اقتصادی، سیاسی و عدم امنیت اجتماعی علل آنرا توضیح میدهد.

انگار آنقدر عرصه بر زنان تنگ میشود که تصمیم میگیرند خودشان را چنان از میان بردارند که صدای خودسوزی و خودکشی خود را به گوش بانیان و مسببین اصلی برسانند.

آمار مشخص از میزان خود سوزی‌ها در دست نیست. در حالی که عدم انتشار و پرداختن به این پدیده اجتماعی نه تنها آمار خودکشی و خود سوزی را کاهش نداده بلکه طبق آمارها، خودکشی افزایش نیز داشته و شیوع آن را امروز

از صفحه ۱ کارگران علیه قانون کار ...

از دانشجویان حاضر در تجمع کرد و جمعیت با شعار دانشجو را رها کن، فکری به حال ما کن، این دو دانشجو را از دست سرکوبگران رها کردند.

تجمع امروز کارگران و اعضا و فعالین تشکل‌های مستقل کارگری یک حرکت سیاسی مهم در فضای کنونی ایران علیه نه تنها قانون کار بلکه حرکتی علیه کل فقر و بیحقوقی و امنیتی کردن مبارزات کارگری بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ آبان ۲۰۱۶

۱۵ نوامبر ۲۰۱۶

کارگر بیشتر کار بکشد و با بلند شدن صدای اعتراض کارگر، کمیته‌های انضباطی را به جان کارگر بیندازد. لایحه اصلاح قانون کار لایحه امنیتی کردن محیط‌های کارگری است. این لایحه را دولت احمدی نژاد به مجلس داد و زیر فشار اعتراضات کارگران مجبور به عقب نشینی شد. اکنون دولت روحانی میخواهد بخت خودش را آزمایش کند. تجمع امروز پاسخ دندان شکن کارگران به این سیاست ارتجاعی بود.

یکی از لحظات پرشور این تجمع هنگامی بود که نیروی انتظامی اقدام به دستگیری دو نفر

می‌توان در خودکشی‌های ملاء عام مشاهده کرد.

زنی خود را از بالای برج میلاد به پایین پرتاب کرد، زنی خود را جلو قطار مترو انداخت، زنی خود را از پل عابر پیاده حلق آویز کرد، دختر دانشجو با پریدن از ساختمانی بلند خود را کشت، زنی خود را شعله ور ساخت. دلیل مرگ‌هایی چون خودکشی، خودسوزی یا قتل ناموسی به عنوان سانحه ثبت می‌شود. این مساله همچنان در جامعه ایران بعنوان یک تابو شناخته می‌شود و افراد مختلف از ابراز دلیل واقعی مرگ اعضای خانواده خود سر باز می‌زنند. سکوت پیرامون خودکشی و خود سوزی عاملی مذهبی و متکی بر سنتهای عقب مانده در جامعه نیز دارد.

اما خودکشی، خودسوزی و دیگر شیوه‌های از میان بردن خود راه حل پایان دادن به تباهی و سیه روزی نیست. افراد، تشکلهای مدافع

حقوق زنان، سازمانها و نهادهای حامی زنان در جامعه میتوانند حول این مسئله کار فشرده‌ای را در دستور خود قرار دهند. کمیته‌هایی در زمینه کار آگاهگرانه، توضیح و نشان دادن دلایل و عوامل اصلی وجود این پدیده، ترغیب زنان برای تلاشی روشنگرانه و همگام با سایر نهادها و تشکلهای مدافع حقوق زنان میتوانند قدمی در کاهش این تباهی باشد. این تلاشها قطعاً میتوانند در کاهش پدیده خودکشی و خودسوزی در جامعه تاثیر گذار باشد اما پایان دادن به خودکشی تنها با پایان دادن به حاکمیت و مناسبات اسلامی سود و سرمایه است که میتواند با رفع موانع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که بر سر راه شکوفایی زنان دخیل است، به پدیده خودکشی در هر شکل و شمایلی پایان داد.

۲۲ نوامبر ۲۰۱۶



از صفحه ۱ ایجاد اقلیمی دیگر...

چهارچوب اقلیم کردستان عراق این روال بپیش برده میشود. آنان متکی بر همین موازین به اصطلاح قانونی، بیش از یکسال است که بنا به اختلاف بین گوران و حزب دمکرات، پارلمان از سوی حزب دمکرات و با فرمان مسعود بارزانی تعطیل شده و رئیس و کاربدستانش مشغول امور مالی و تجاری خود هستند. رئیس حکومت اقلیم کردستان یعنی مسعود بارزانی هم پیش از یکسال است که ریاستش بر اساس همان "قوانین" مصوبه خودشان پایان یافته اما همه کاره اصلی خود او است که بنا به قانون خودشان هم مشروعیت ندارد. در هر حال آنچه که در کردستان عراق حکمفرما است نه قانون و مقررات یا مصوبات پارلمان و غیره بلکه معاملات و بند و بست احزاب در تقسیم قدرت و پستهای حکومتی است که حرف آخر را میزند.

در جریان اعتراضات اخیر معلمان در ماههای سپتامبر، اکتبر و بویژه در اعتراض معلمان در ماه نوامبر، طرح نوعی رابطه مستقیم بین حکومت مرکزی عراق با انجمن استاندارد سلیمانیه و فرماندارها در مناطق تحت نفوذ اتحادیه میهنی به میان کشیده شد. این طرح ابتدا از سوی دو فراکسیون اتحادیه میهنی و گوران مطرح شد. در یکی از این تجمعات اعتراضی معلمان یکی از اعضای وابسته به اتحادیه میهنی در تجمع معلمان گفت: "ما از حکومت مرکزی حیدر عبادی می‌خواهیم که حقوق ماهیانه معلمان را بجای اینکه به خزانه حکومت اقلیم که تحت نظارت و کنترل حزب دمکرات است روانه کند، آنرا مستقیماً به انجمن استان سلیمانیه که تحت تسلط اتحادیه میهنی و گوران است منتقل کند تا از این طریق حقوق معلمان معترض و ناراضی پرداخت شود".

این مسئله واکنشهای متفاوتی را در میان احزاب و جریانات کردستان عراق با خود به همراه داشت. حزب دمکرات کردستان عراق بشدت در مقابل این مسئله موضع گیری کرد و آنرا مغایر با حق حاکمیت اقلیم و مغایر با "استقلال کردستان" عراق ارزیابی کرد و آنرا مرده اعلام نمود. بدنبال این

مسئله نماینده ای از اتحادیه میهنی نیز بصورت دو فاکتو طرح این مسئله را رد کرد و سخن روشنی در رد تمام و کمال یا برسمیت شناختن این طرح ابراز نمود. از سوی دیگر حیدر عبادی در واکنش به این مسئله گفت: "ما حکومت اقلیم کردستان را برسمیت میشناسیم". اما در دنیای واقع هم حکومت مرکزی عراق و هم جمهوری اسلامی از این بازار آشفته در حکومت اقلیم و دعوی احزاب رقیب، بصورت غیر رسمی سیاست خود را پیش می‌برند. حکومت مرکزی عراق و جمهوری اسلامی بصورت رسمی و قانونی تمایلی به معامله با اتحادیه میهنی و گوران که به شبکه ای گسترده از دلان مافیای اقتصادی و مالی تبدیل شده اند ندارند بلکه پیشبرد روابط خود با آنان را به همین منوال کنونی رضایت بخش میدانند چرا که اختلافات و رقابت احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق فرصتی فراهم کرده است که آنان به اهداف مورد نظر خود دست یابند.

اما سؤال اصلی این است که آیا تبدیل شدن مناطق و نواحی اطراف سلیمانیه به یک اقلیم جداگانه بنفع مردم کردستان عراق و یا حداقل بنفع مردم مناطق تحت تسلط اتحادیه میهنی است؟ آیا تمایل و رغبت برای طرف معامله شدن با دولت مرکزی که معلمان در شعارهایشان مطرح کرده اند میتواند نانی به سفره آنان اضافه کند و حقوق ماهیانه شان بدون دغدغه پرداخت شود؟ و اگر کارساز نیست چرا معلمان از حکومت محلی نا امید شده و بسوی حکومت مرکزی دست دراز میکنند؟

پاسخ به این سئوالات از دو جنبه قابل بررسی است. یکم از زاویه احزاب رقیب و دوم از زاویه خواست و مطالبه معلمان و مردم. کم نیستند بسیاری از رهبران اتحادیه میهنی و گوران که تلویحاً این تمایل را ابراز میکنند چرا که در صورت ایجاد دو اقلیم در کردستان عراق، اتحادیه میهنی و طیفی از احزاب کوچکتر را که بدور خود جمع کرده است، میتواند با آسودگی خاطر اهداف مالی و تجاری خود با حکومت اسلامی را مستقلانه تر و

بدون دردهای حزب دمکرات که پارلمان را از کار انداخته و بیکه تاز حاکم بر کردستان عراق است تعقیب کند.

جمهوری اسلامی برای بحران آفرینی در منطقه سابقه طولانی مدتی نه تنها در اقلیم کردستان بلکه در عراق و در منطقه دارد و تا کنون سرمایه‌هنگفتی در این راستا بکار گرفته است. یک وجه این تلاشها مخالفت و حاشیه ای کردن طرح استقلال کردستان عراق است چرا که ایجاد چنین بحرانهایی با سیاستهای جمهوری اسلامی و ایجاد تفرقه میان مردم در کردستان عراق همخوانی دارد. برای حکومت مرکزی عراق نیز این مسئله فرق چندانی نمیکند آنهم به این خاطر که علیرغم هر گونه توافق و معاهده ای که با حکومت اقلیم کردستان دارد اما عملاً دخالت رسمی و "قانونی" در امورات اقلیم کردستان عراق ندارد.

مسعود بارزانی بارها در مقابل خواست و مطالبات بر حق معلمان و مردم ناراضی و بستوه آمده گفته است: "قیمت نفت کاهش یافته، حکومت اقلیم هزینه جنگ با داعش را بدوش میکشند و مخارج زندگی آوارگان بر دوش حکومت اقلیم است لذا معلمان و حقوق بگیران باید این وضع را درک کنند و اعتراض نکنند".

مردم کردستان عراق و معلمان معترض بخوبی میدانند که درآمدهای هنگفت از قبل فروش نفت، چه زمانی که قیمت نفت بالا رفته و چه دورانی که کاهش یافته است وضع آنان به همین منوال بوده و سران احزاب حاکم با دزدی و فساد به ثروتهای نجومی دست یافته اند. هزینه جنگ با داعش نیز بر دوش دول همپیمان، کمکهای تسلیحاتی آنان و دولت مرکزی عراق است و مخارج تامین زندگی آوارگان جنگی مسقر در کردستان عراق هم بعهده یوان و سازمانهای جهانی مربوطه و کمک برخی دولتهاست. بنا به گفته ملا بختیار از مسئولین اتحادیه میهنی، "دزدی و دروغ سنت و روشی جا افتاده در جبهه "کردایتی" یا همان احزاب ناسیونالیست کرد بوده است. و باز میگوید: "سران کرد بدلیل فساد کردن کلفت شده اند و این همیشه وجود داشته است". ایشان با ارائه چنین سخنان

"انتقادی" خطاب به کاربدستان حزب رقیب به گونه ای ظاهر میشود که گویا ایشان و حزب متبوع او تافته جدا بافته ای در "پاکی" بوده اند. در حالیکه مسئولان و اعضای رهبری اتحادیه میهنی و گوران هیچگاه در فساد و دزدی از این قاعده مستثنی نبوده اند.

اما از منظر معلمان معترض و ناراضی و رجوع آنان به حکومت مرکزی جهت پاسخ به خواستههایشان با آنچه که اتحادیه میهنی و گوران تعقیب میکنند این مسئله کاملاً متفاوت است. آنان با طرح خواست پرداخت حقوقهایشان توسط دولت مرکزی عراق میخواهند بی لیاقتی، عدم شایستگی و عدم مشروعیت کل حکومت اقلیم کردستان را همراه با تمامی احزاب شریک در حکومت به زیر سؤال ببرند. طلب خواستههای معلمان از دولت مرکزی عراق گویای این پیام است که حکومت اقلیم کردستان عراق با شکست مواجه شده و با بالا کشیدن هستی جامعه قابلیت و توانایی پاسخگویی به خواست و مطالبات معلمان و جامعه کردستان عراق را ندارد.

از منظر معلمان کردستان عراق طرح طرف حساب قرار دادن خود در سلیمانیه و نواحی مربوط به آن با حکومت مرکزی، تلاشی برای دست یابی به خواستههای معیشتی خود و همزمان تعرضی سیاسی به حکومت اقلیم است و میخواهند بی کفایتی احزاب حاکم بر کردستان عراق را تماماً زیر سؤال قرار دهند.

بدون شک اتحادیه میهنی و احزاب هم پیمان میکوشند بر خواست و مطالبات معلمان سوار شده و آنرا در جهت امیال و اهداف اقتصادی و رقابت و اختلافات خود با حزب دمکرات سمت و سو دهند. تا جاییکه به خواست و مطالبات معلمان و دیگر مزدبگیران در کردستان عراق مربوط است، مسئولیت پاسخگویی به این خواستهها، حکومت اقلیم کردستان و احزاب شریک در قدرت هستند که باید پاسخگو باشند. راه حل رفع معضلات معلمان معترض و مردم ناراضی تبدیل نمودن سلیمانیه و مناطق اطراف آن به

اقلیمی جداگانه نیست چرا که حتی با فرض اجرایی شدن چنین طرحی فقر و فلاکت و بی حقوقی کماکان از سر و کول مردم بالا خواهد رفت و این بی حقوقی در مناطق تحت کنترل حزب دمکرات (دهوک و اربیل) نیز موجود است.

تمایل اتحادیه میهنی و گوران به چنین سمت و سویی از یک سو برای چابکدستی مردم به تنهایی و بدون مزاحمتهای حزب دمکرات است و از سوی دیگر اهرم فشاری بر حزب رقیب است که پستها و ثروت و سامان هفاد درصدی انباشته شده در دست بارزانی را بصورت برابر با اتحادیه میهنی و گوران تقسیم کند. در یک کلام باید گفت که طرح اقلیم سازی سلیمانیه طرحی عقب مانده و ارتجاعی است. معلمان، کارگران، کارمندان و مردم بستوه آمده از دست احزاب حاکم بر کردستان عراق هیچ نفعی در دو اداره ای یا تبدیل شدن مناطق سلیمانیه به اقلیم جداگانه ندارند.

معلمان در سراسر شهرهای کردستان عراق میتوانند با انتخاب نمایندگان واقعی خود بعنوان سخنگویان جامعه، با جلب و جذب بخشهای مختلف مردم معترض و ناراضی، خواست و مطالبات برحق خود را از حکومت اقلیم کردستان که متشکل از احزاب حاکم هستند طلب کنند و صف خود را از دعوای احزاب رقیب که نتیجه ای جز خانه خرابی هر چه بیشتر را برایشان در بر ندارد جدا کنند.

معلمان، کارمندان، کارگران و مردم معترض و ناراضی شهرهای کردستان عراق طی سالهای اخیر باید آنقدر تجربه اندوخته باشند که بیش از این مورد سو استفاده رقابتیهای احزاب حاکم که چیزی جز دست یابی به قدرت، مقام و سود بیشتر را مد نظر ندارند قرارنگیرند. راه حل واقعی مردم کردستان و رها شدن از وضع موجود، تاکید آنان بر خواست استقلال کردستان عراق و اداره امور آن از سوی نمایندگان واقعی و منتخب خود در شوراهای مردمی است.

۲۲ نوامبر ۲۰۱۶

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود.

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرين رمضانعلی

پیرانشهر؛ مرگ ورزشکار اهل پیرانشهر در اثر عدم کمک رسانی پزشکی

عثمان نوخا ۳۵ ساله ورزشکار پاراگلایدر (چتر پری) در ارتفاعی بلند سقوط میکند و بدلیل ضربه ناشی از سقوط از ارتفاع بالا دچار خونریزی داخلی میشود. عثمان نوخا نیاز فوری به امداد رسانی برای نجات از مرگ پیدا میکند. اما بدلیل سهل انگاری ماموران اورژانس بیمارستان پیرانشهر که بعد از ۸ ساعت به محل حادثه میرسند، این جوان ورزشکار متأسفانه جان خود را از دست میدهد.

عثمان نوخا ورزشکار با ابتکاری بود و در میان جوانان پیرانشهر محبوب بود.

«کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بیخاواده عثمان نوخا و مردم پیرانشهر صمیمانه تسلیت میگوید».

سیستم پزشکی و امداد رسانی پیرانشهر و جمهوری اسلامی عامل مرگ این جوان ورزشکار هستند.

در ایران دزدی، چپاول و فساد توسط سران ریز و درشت نظام اسلامی دست بالا را دارد. مردم شهرهای کردستان از محرومترین ساکنین این کشور هستند که از حداقل امکانات دارویی و پزشکی محروم هستند.

جایزه ادبی برای شیدا باز یار

شیدا باز یار خالق رمان "شب در تهران آرام است" توانست نظر هیأت داوران جایزه ادبی "اولان هان" برای اثر برتر امسال را کسب کند. لوح تقدیر این جایزه بهمهراه ۱۰ هزار یورو، در ساختمان شهرداری مونهایم، زادگاه اولاهان، شاعر و رماننویس معاصر آلمانی به خانم باز یار اهداء شده است. شیدا تحصیلات خود را در رشته "نگارش خلاق" و "روزنامهنگاری فرهنگی" به پایان رسانده است. رمان "شب در تهران آرام است" نخستین اثر ادبی این دختر ۲۸ ساله است. این رمان در ۲۸۸ صفحه به رشته تحریر در آمده است. شیدا باز یار متولد آلمان، فرزند يك خانواده مهاجر از ایلام می باشد که رمان اش سرگذشت و

لرزم شکل گیری تشکل های صنفی برای سازماندهی این تصمیمات از ارکان آموزش و پرورش پیشرو محسوب می شود.

در حالی دو دهه از شکل گیری مجدد تشکل های صنفی فرهنگیان می گذرد که فعالین صنفی فرهنگیان در نهایت قانونمندی مطالباتی چون حق معیشت، رفع تبعیض، آزادی حق ایجاد تشکل، نفی خصوصی سازی، افزایش سرانه فضای آموزشی، حذف نگاه سخیف مصرفی بودن به مولدترین نهاد کشور و مواردی از این دست را مطرح کرده اند و نیز برای استیفاء حقوق بدهی خود، مطابق قوانین جاری در نهایت قانون مداری، به اقداماتی از قبیل نامه نگاری، نوشتن طومار، رایزنی با مقامات ،... و در نهایت تجمع های مدنی اقدام نموده اند.

با وجود آن که معلمین همواره کمترین مزایای شغلی را در بین کارمندان دیگر وزارتخانه های دولت داشته اند، اما کوچکترین و مدنی ترین اعتراضات این قشر فرهیخته با برخورد های قهری مقامات امنیتی، مواجه شده است و فعالینی چون اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی و ده ها فعال دیگر هزینه های سنگینی از قبیل زندان، تبعید، انفصال خدمت و... را متحمل شده اند.

اسماعیل عبدی به جهت تلاش برای مطالبات صنفی در حالی به حبس مجدد و متعاقب آن بازداشت و انتقال به زندان اوین محکوم شده است که سیاست های دولت در راستای تقویت امر آموزش و معیشت معلمان نبوده و دسترسی کودکان خصوصاً کودکان خانواده های کم درآمد را به آموزش رایگان و با کیفیت سخت و سخت تر کرده است. آن هم دولتی که با داعیه حذف فضای امنیتی در آموزش و پرورش بر مسند قدرت نشسته است فرهنگیان در حالی که

دستمزدشان کماکان زیر خط فقر است نهایت توان خود را برای امر آموزش بکار بسته اند و همزمان با اعتراضات خستگی ناپذیر خود خواهان تغییر نگاه حاکمیت نسبت به کنشهای فعالین صنفی هستند. انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) به عنوان تشکلی صنفی،

اسماعیل و اسماعیل ها آنگاه که ظلم و ستم بیداد میکند چیزی برای از دست دادن ندارند

جعفر عظیم زاده

جزغاله شده ششین آباد، مدارس کپری و آموزش و پرورش ویران شده ای است که هر ساله صدها هزار کودک و نوجوان و جوان را از چرخه تحصیل محروم و آواره خیابانها میکند. او نگاهش را برای حرف زدن، ملاقات با همکاران در سطح کشور و دیده شدن و ایستادن در برابر ستم از تباهی يك جامعه هشتاد میلیونی، استیصال و درماندگی آنان برای گذران زندگی، له شدن انسانها، بی اقبی میلیونها جوان آماده ی بکار و نابودی و اضمحلال آینده ی فرزندان ما کارگران و زحمتکشان میگیرد.

اسماعیل و اسماعیلها آنگاه که ظلم و ستم بیداد میکند چیزی برای از دست دادن ندارند. برای آزادی اسماعیل، برای آزادی کارگر زندانی بهنام ابراهیم زاده و برای برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی مدنی باید همچون اسماعیل به میدان آمد.

دوم آذر ماه ۱۳۹۵

دو هفته از به بند کشیدن معلمی که دل و جان و تمام هستی اش را در گرو تحقق خواسته های بر حق معلمان و کارگران ایران گذاشته است، سپری شد.

اسماعیل انسانی متفاوت است، نگاهش را برای تحقق عدالت از رفتار و کردار عوام فریبانه و وعده های پوچ و توخالی حکومتگران نمی گیرد. چشم او برای دادخواهی، به چانه زنی های مکرر و بی فایده با بالایی ها دوخته نشده است. نگاه او به پایین است، به درد و رنج معلمان است، به شان و منزلت له شده ی آنان و به بازنشسته های کارگر و معلم دردمندی است که برای لقمه نانی آخرین سالها و روزهای عمرشان را با مسافر کشی در خیابانهای آلوده و مرگ آور شهرهایی چون تهران سپری میکنند.

چشم او به دانش آموزان

احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!

کلیه کارگران و معلمان و پرستاران باید به استخدام رسمی در آیند!

لغو احکام فعلی و محاکمه عادلانه فعالین در دادگاه های علنی و غیر امنیتی با حضور هیات منصفه مطابق اصل ۱۶۸ است.

انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) سی ام آبانماه ۱۳۹۵

ضمن محکوم کردن احکام ناعادلانه قضایی که به نام اقدام علیه امنیت ملی بر فعالین صنفی تحمیل می شود، بر خواسته های به حق جامعه فرهنگیان ایران و ادامه کنشهای عدالتخواهانه برای حذف نگاه امنیتی پای می فشارد و خواستار

یادداشتهای هفته

دولت اسلامی ترکیه عقب نشینی کرد



بدنبال اعلام طرح مربوط "ازدواج کودکان" یا تجاوز اسلامی به دختران زیر سن قانونی و بدنبال چندین روز تجمع و اعتراض زنان مبارز و سکولار به این طرح ارتجاعی و ضد کونک، بالاخره دولت اسلامی ترکیه به زانو درآمد و نصوب این طرح را ملغی اعلام کرد.

اما زنان در ترکیه با کسب این پیروزی و وادار نمودن دولت ترکیه به الغای این طرح قناعت نکرده و با بلند کردن خواستههای خود مبنی بر بی حقوقی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی در ترکیه، خواستار برچیدن قوانین اسلامی و برداشتن محدودیتهایی شدند که دولت اسلامی اردوغان به زنان تحمیل کرده است.

به شکست کشاندن این طرح ضد کودک و ضد انسانی فاشیستهای اسلامی حاکم بر ترکیه موفقیت بزرگی برای جبهه انسانیت و جبهه آزادیخواهی و حمایت از کودکان است. دولت اسلامی ترکیه را باید به عقب نشینی های بیشتر وادار نمود. زنده باد تلاش و مبارزه زنان در ترکیه

۲۲ نوامبر ۲۰۱۶

تجمع و تظاهرات هزاران نفره معلمان در سلیمانیه ادامه دارد
در ادامه اعتراض و ناراضیاتی معلمان در کردستان عراق، تجمع و تظاهرات معلمان و کارمندان در شهر سلیمانیه و چند شهر دیگر روز سه شنبه ۲۲ نوامبر مجدداً از سر گرفته شده است. تظاهرات هزاران نفره معلمان و دیگر بخشهای

عبدل گلپریان

"دولت باید این دستفروشان را از این محل خارج سازد چرا که در کنار دستفروشی "به فروش مواد مخدر به جوانان معصوم" میپردازند."

چنین گزارشی و چنین اظهار نظری کار مردم عادی که نود و نه درصد آنان با وضعیت و زندگی نابسامان معیشتی روزگار میگذرانند نیست. چنین اقدامی تنها از سوی پادوهای باند مافیای قاچاق و فروش مواد مخدر سپاه و بسیج ساخته است.

پخش و تبلیغ این گزارش از سوی این شبکه که سر ندانم کاری و یا اینکه اشتباهی در ارائه خبر صورت گرفته باشد نیست بلکه این کانال تلویزیونی همانند مقامات و کاربدستان حکومت اسلامی فروش مواد مخدر را با پخش این فیلم به مردم تنگدست، فقیر و ندار نسبت میدهند. همین یک نمونه از سیاست حاکم بر این شبکه کافی است تا ابوابشان حکومت اسلامی به هر دستفروشی در هر شهری و با اتهام خرید و فروش مواد مخدر حمله کرده و زندگی تباها شده آنان را از آنچه که هست تباها تر کنند.

کاربدستان شبکه تلویزیون "من و تو" یا میدانند که بانیا، فروشندگان و توزیع کنندگان عمده مواد مخدر چه کسانی هستند و آگاهانه خود را به کوری و کری میزنند و یا نمیدانند و بجای نشان گرفتن انگشت اتهام بسوی باندهای سپاه و بسیج بعنوان فروشندگان و توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر، هزاران انسان به فلاکت کشیده شده و به دستفروش تبدیل شده را مقصر میدانند. واقعا ننگ بر شما باد که دست حکومت جهل و جنایت و حکومت تباها کننده زندگی دستفروشان و کل جامعه را با پخش چنین سوژه هایی باز میگذرانید که تباهی مطلق را به ندارترین بخش جامعه تحمیل کند.

۲۷ آبان ۹۵

۱۷ نوامبر ۲۰۱۶

کتک زدن زن دستفروش و یک دنیای بهتر

کیوان جاوید

تهران پارس دستفروشی می کرد، توسط ماموران سد معبر کشته شد.

سئوال مردم و همه ما این است. چگونه زندگی کنیم. چگونه هزینه های سرسام آور زندگی روزمره را تامین کنیم. اجاره مسکن و خرج تحصیل فرزندانمان را از کجا بپردازیم؟ چگونه با این هیولای بی پولی که در برابر ما دهان باز کرده و ما را به درون سیاهی می کشد مقابله کنیم. قطعاً دستفروشی پاسخ نیست. دستفروش برای بقاء می جنگد.

جمهوری سرمایه داران اسلامی به اینها کاری ندارد. هدف غارت زندگی مردم و پر کردن کیسه های گشادی است که ته ندارند. باید آقا زاده ها به کشورهای اروپایی و آمریکا شمالی نقل مکان کنند تا به قیمت نابودی مردم عیش کنند و از زندگی انگلی ای خود لذت ببرند. باید در همین ایران طبقه یک درصد ها را بسازند و بهشت دروغین اسلامی را نه در آسمان ها که بطور واقعی در زمینی که بدست مردم آباد می شود برپا کنند. و چه کسی نمی داند برای تکمیل بهشت، جهنم نیز لازم می آید. بهشت آنها و جهنم ما.

چاره کار روشن است. باید با همه قدرت و همه توان برای واژگون کردن این بساط فقر و تباهی تلاش کرد. باید دست در دست هم داد و برای یک زندگی بهتر مبارزه کرد.

کارگران و معلمان و دیگر فعالین جنبش های اعتراضی در این راه پیش قدم اند. به صف این مبارزات جاری باید پیوست و البته با حزبی که برای خوشبختی همگان می جنگد، همراه شد. حزب کمونیست کارگری حزب شما است.*

زن دستفروش کتک می خورد، آیت الله ها میلیاردتر می شوند. چه کسی نمی داند که دستفروشی فقط بدست آوردن یک لقمه نان است. چه کسی نمی داند با دستفروشی نه می توان خانه ی درست و حسابی داشت، نه می شود بهداشت و درمان داشت، نه می توان مسافرات های تفریحی رفت و نه می توان سر پیروی از امنیت اقتصادی برخوردار بود. دستفروش از سرمای زمستان تا گرمای تابستان در حال نبرد برای زنده ماندن است.

در عوض لاریجانی ها و صدها و هزاران جانی جمهوری اسلامی با غارت زندگی و هستی این مردم به ثروت های افسانه ای و نجونی دست یافته اند. زن دستفروش را کتک می زنند و وقتی رسانه ای شد و آبروی نداشته حکومت اسلامی بیش از گذشته ریخته شد، آنگاه «شهرداری فومن از زن دستفروش عذر خواهی» می کند. عذر خواهی می کند، اما این عذر خواهی برای این زن دستفروش نان و آب نمی شود و فردا هم ادامه دیروز خواهد بود.

دلیل شهرداری فومن برای کتک زدن این زن زحمتکش این است که: شخص مورد نظر به اظهارها "توجه نکرده" و در طول این مدت همچنان در پیاده رو حضور داشته و باعث "دلخوری مغازه داران و سایر کسبه" شده است.

بهانه شهرداری ها و قوانین جمهوری اسلامی هم بظاهر برای «رفع دلخوری مغازه داران»، کتک زدن و دستگیری و حتی کشتن دستفروشان است. - مرداد ماه دو سال پیش در تهران، علی چراغی که همراه پسر نوجوان خود در منطقه



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!